

گزارش علمی

بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران*

احسان طهماسبی **

چکیده

اسناد، مدارکی نوشتاری‌اند که برخی رویدادهای مهم زندگی در دوران مختلف، در آن‌ها ثبت شده است. هدف این مقاله شناسایی استعداد معماریانه اسناد و چگونگی استفاده از آن‌ها در مطالعات تاریخ معماری ایران است. روش تحقیق مقاله به صورت تحلیل محتوا و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. برای آشنایی با نحوه خواندن اسناد و ویژگی‌هایشان، نخست، تاریخچه و انواع و اجزای آن‌ها و سپس انواع خط و زبان به کاررفته در اسناد را مطالعه می‌کنیم. در بخش اصلی مقاله، به چگونگی کاربرد این مدارک در مطالعات تاریخ معماری ایران می‌پردازیم و با مثال‌هایی، نحوه یافتن اطلاعات معماریانه در آن‌ها را نشان می‌دهیم. بالهمیت‌ترین اسناد در این زمینه، وظیفه‌های فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری و اسناد خرید و فروش‌اند. این مدارک گاهی وضعیت جامعه‌زمان خود را انعکاس می‌دهند و گاهی مستقیماً به اطلاعات مربوط به معماری آثار اشاره می‌کنند. از جمله داده‌های معماریانه مهمی که با جستجو در آن‌ها می‌توان یافت، چنین‌اند: وضعیت شهرها و بناها و تغییراتشان در طول زمان، مکان جغرافیایی و حدود اربعه‌املاک، تاریخ دقیق ساخت اثر، نام فصاهات، جزئیات کالبدی و فنی، هنرها و مشاغل وابسته به معماری و اصطلاحات معماریانه. برای این تحقیق، به کتاب‌ها و مقالاتی که درباره تاریخچه و ویژگی‌های اسناد نوشته شده است و همچنین به متن اسناد رجوع کرده‌ایم.

کلید واژه‌ها

سنده، تاریخ معماری ایران، اطلاعات معماریانه.

* این مقاله بخشی از طرح پژوهشی‌ای است با عنوان «منابع درجه اول معماری ایران» که زیر نظر دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفته است.

** مرتبی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه معماری، واحد سروستان، tahmasbi.e@gmail.com

پرسش‌های پژوهش

۱. اسناد چه نسبتی با مطالعات معماری ایران دارند؟
۲. چه نوع اطلاعات معماری‌های را می‌توان در اسناد جست‌وجو کرد؟
۳. کدام اسناد حاوی داده‌های معماری‌انه مفصل‌تری اند؟

مقدمه

«سند» مدرکی نوشتاری است که معمولاً رویدادها و فعالیت‌های دیوانی و قضایی در آن ثبت می‌شود (قائم مقامی ۱۳۵۰، ۱۳۹۰). در تعریفی دیگر، سند را نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد، نیز گفته‌اند (قضایی ۱۳۹۰، ۱). اسناد گاهی یکتا بوده و گاهی از روی آن‌ها، در شماری محدود، استنساخ صورت می‌گرفته است. جنس ماده‌ای که سند روی آن نگاشته می‌شده، در دوره اسلامی، معمولاً کاغذ و پارچه و پیش از آن، چرم، پاپروس، گل و... بوده است. کتبیه‌ها و سنگ‌نیشته‌ها و همچنین مدارک تصویری در دسته‌های دیگری از مدارک قرار می‌گیرند؛ البته در این دسته‌بندی‌ها گاهی مرزها با یکدیگر همپوشانی می‌کند. برخی منابع و مراجع قانونی مانند سازمان اسناد ملی ایران، همه مدارک صوتی و تصویری و نوشتاری را زیرمجموعه اسناد قرار داده^۱ که این به علت وظیفه سازمانی آن‌هاست.

اسناد از منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به‌شمار می‌روند، زیرا غالباً با پدیده مورد بررسی معاصرند؛ گرچه ممکن است گاهی در آن‌ها اطلاعاتی درباره بناهای کهن‌تر نیز وجود داشته باشد. برخی از اسناد اختصاص به یک بنای خاص دارند و در پاره‌ای از موارد، در آن‌ها به مجموعه‌ای از آثار اشاره شده است. در شماری نیز مشخصاً از بنایی نام برده نشده است، اما اطلاعات مفیدی درباره بستر تاریخی و جغرافیایی آثار یک دوره به چشم می‌خورد. درباره کاربرد اسناد در مطالعات معماری، تاکنون پژوهشی جامع انجام نگرفته و فقط در چند مقاله، به‌صورت موردی، چند سند تاریخی و رابطه آن‌ها با برخی آثار و مسائل معماری بررسی شده است که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. ر این مقاله، می‌خواهیم بدانیم اسناد چه نسبتی با تاریخ معماری ایران دارند و میزان کمی و کیفی اطلاعات معماری‌انه آن‌ها چگونه است. روش تحقیق این مقاله به‌صورت تحلیل محتوا و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای است. برای این منظور، مروری کوتاه بر اسناد اندک به‌جا مانده از دوران پیش از اسلام خواهیم داشت. سپس به معروف اسناد دوره اسلامی و اجزا و نحوه طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازیم. بخش بعدی آشنایی با انواع خط و زبان به کاررفته در اسناد است که به ما در تشخیص تاریخ و نوع سند کمک می‌کند. در قسمت چهارم و اصلی مقاله، چگونگی کاربرد هریک از اسناد را در مطالعات معماری ایران بررسی می‌کنیم، به‌منظور شناخت دقیق‌تر استعداد معماری‌انه هریک از آن‌ها و نسبت مستقیم یا غیرمستقیم‌شان با معماری. مهم‌ترین اسناد در این زمینه، فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری، اسناد خرید و فروش، وقف‌نامه‌ها و شماری از اسناد امروزی است.

در این تحقیق، از چند دسته از منابع استفاده کرده‌ایم: گروه نخست درباره تاریخچه و دسته‌بندی اسناد است؛ گروه دیگر به تاریخچه انواع خط می‌پردازد؛ سوم منابعی است که نمونه‌هایی از اسناد تاریخی در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ و آخرین دسته، مقاله‌هایی است که در آن، به بررسی رابطه یک یا چند سند با معماری اشاره شده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی استعداد معماری‌انه اسناد و چگونگی استفاده از آن‌ها در مطالعات تاریخ معماری ایران است.

۱. اسناد در ایران پیش از اسلام

مدارک به‌جامانده از دوران پیش از اسلام گسترده نیست و بیشتر در حوزه کتبیه‌ها قرار می‌گیرد. اسناد نوشتاری بسیار محدودند و دسترسی عمومی به آن‌ها بسیار سخت است؛ بنابراین، در اینجا فقط اشاره‌ای کوتاه به آن‌ها خواهد

شد. مهم‌ترین استناد به‌جامانده از نخستین امپراتوری ایران، هخامنشیان، حدود شش هزار لوح گلی به خط میخی ایلامی است که در حفاری‌های سال‌های ۱۹۳۳–۱۹۳۴ م در تخت جمشید یافت شده است. مهم‌ترین اطلاعات این لوح‌ها درباره سازمان اداری هخامنشیان و وضعیت مقام‌های ارشد آن، خزانه‌ها، کارکنان، دستمزدها و مالیات‌هاست (کنخ ۱۹۹۲، ۳۱). تنها سند باقی‌مانده از دوره اشکانیان، «بنچاق اورامان» نام دارد که سه قطعه چرم‌نوشته مربوط به معامله دو تاکستان است. این استناد در اورامان کردستان پیدا شده و اکنون در موزه بریتانیاست. یکی از آن‌ها به خط زبان پارتی است و در آن، از مقدار تاکستان خرید و فروش‌شده و قیمت و تاریخ و طرفین معامله و شاهدان نام بردۀ شده است (عربیان ۱۳۸۲، ۱۷). از دوره ساسانیان، نوشته‌هایی روی پاپیروس و پوست و چرم به‌دست آمده که به خط پهلوی و متعلق به اوآخر آن دوره است. دسته‌ای از آن‌ها نامه‌های دیوانی‌اند که نام برخی مکان‌ها و منصب‌ها ذکر شده و دسته‌دیگر استناد تجاری و اقتصادی‌اند (تفصیلی ۱۳۸۶، ۱۰۷). مُهرها استناد معتبرتری برای شناخت این دوره بهشمار می‌روند. از مهم‌ترین کاربرد آن‌ها در مطالعه تاریخ معماری ساسانیان، شناسایی نام شهرهای اصلی آنان در فارس است (دریابی ۱۹۹۹، ۲۲).

۲. انواع استناد در ایران دوره اسلامی و اجزای آن

ورود اسلام به ایران موجب دقگونی کلی در ساختار حکومت و روابط حقوقی مردم شد؛ اما این تغییرات ناگهانی نبود، بلکه بهمروز و طی چندین دهه روی داد. در قرن یکم هجری و حتی شاید بیش از آن، هنوز استناد دیوانی و دفترهای مالیاتی به خط و زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) نوشته‌می‌شد و حتی روی سکه‌ها تصویر شاهان ساسانی بود (محمدی ملایری ۱۳۸۴، ۹۵). به‌نظر می‌رسد در ایران، استنادی از چند قرن نخستین این دوره به‌دست نیامده، اما انواع مختلفی از آن‌ها، متعلق به سده‌های بعدی، بهجا مانده است.

استناد تاریخی در دوره اسلامی را با چند شیوه دسته‌بندی کرده‌اند. از معتبرترین آن‌ها دسته‌های چهارگانه است که به این صورت طبقه‌بندی شده است: یکم، استناد مرتبط با زندگی روزمره مردم و روابط مالی و حقوقی آن‌ها با یکدیگر که خود به دو گروه استناد مالی^۱ (قباله خرید و فروش، رهن، اجاره‌نامه...) و استناد حقوقی^۲ (عقدنامه، وصیت‌نامه، وکالت‌نامه، استشہادنامه،...) تقسیم می‌شوند؛ دوم، اخوانیات که شامل مکاتبات دولستانه و نامه‌های خانوادگی است؛ سوم، مکاتبات درباری که در گذشته به آن سلطانیات می‌گفتند؛ چهارم، دیوانیات که استنادی اداری درباره امور دولتی‌اند، مانند دفتر مالیاتی و گزارش مأموریت و... (قائم‌مقامي ۱۳۵۰، ۴۱).

در طبقه‌بندی دیگر، دو مقوله شرع و عرف مینا قرار گرفته و استناد بر این اساس به دو دسته تقسیم شده‌اند: یکم، استناد شرعی که برآمده از مباحث فقهی (معاملات و احکام و عبادات) بوده و به‌دست اشخاص ذی صلاح، مطابق با رسم سنتنوبیسی همان دوره، تنظیم شده است؛ دوم، استناد عرفی که حاصل از نظام سیاسی حاکم و شرایط اجتماعی و روابط روزمره انسانی است. اینها خود شامل دو گروه‌اند: یکی استناد دیوانی که نتیجه کار نظام اداری است و دیگری استناد شخصی مانند نامه‌ها (رضایی ۱۳۹۰، ۳). منبعی دیگر استناد را به دو دسته رسمی و عادی تقسیم کرده است: «سند رسمی سندی است که در مرجعی ذی صلاح تنظیم شده و سند عادی سندی است که در مرجعی ذی صلاح تنظیم نشده باش» (فدایی ۱۳۹۰، ۳). شاید بتوان استناد را به شیوه‌های ساده‌تری نیز دسته‌بندی کرد؛ مانند استناد دیوانی و قضایی و شخصی یا به صورت استناد حکومتی و مردمی.

برخی استناد مانند مکاتبات شخصی ساختار نگارش و تدوین ساده‌تری دارند، اما بیشتر آن‌ها مفصل‌تر و دارای اجزای بیشتری‌اند. استناد معمولاً^۳ بخش اصلی «متن» و «اضافات» دارند. متن از سه رکن اصلی «مقدمه» (مطلع) و «رکن کلام» (احوال یا شرح موضوع) و «خاتمه» تشکیل می‌شود؛ البته برخی استناد کم‌اهمیت‌تر فاقد مقدمه و خاتمه‌اند (قائم‌مقامي ۱۳۵۰، ۱۵۳). استناد دارای اضافاتی شامل بسمله (تحمیدیه) و مُهر^۴ و سجلات (تسجیلات)^۵ و تاریخ کتابت و ثبت دفتری بوده^۶ و شماری متمم (تكلمه) و ظهیره^۷ نیز داشته‌اند. (رضایی ۱۳۹۰، ۱۷–۲۱).

«فرمان» به‌طور کلی، به همه اقسام دیوانیاتی که حاوی دستورات و مصوبات پادشاهان بوده، گفته می‌شده است. برخی منابع، براساس محتوا و نحوه تحریر، این استناد را به گونه‌هایی مانند منشور، مثال، حکم، نشان و...

نام‌گذاری کرده‌اند. در دوره قاجار، کلمه «فرمان» رسمیت یافت و همه احکام مكتوب پادشاه را به این نام می‌خوانند (قائم مقامی ۱۳۵۰، ۴۶-۴۴). فرمان‌ها معمولاً علاوه بر متن، دارای اضافات خاصی بودند. «تحمیدیه» که عبارت بود از حمد و سپاس خدا در آغاز سند و به صورت‌های «هو»، «بسم الله الرحمن الرحيم»، «الملك لله تعالى» و... می‌آمد. گاهی روی فرمان‌ها، برای تأیید اعتبارشان، نوشته‌ای به دست خط شاه می‌آمد یا نشان و علامت وی روی سند زده می‌شد که به آن، «توقيع» یا «طغرا» می‌گفتند. در دوره قاجار، پس از مهر و توقيع، سند را برای تأیید نهایی به پیش شاه می‌بردند و او بر حاشیه آن می‌نوشت: «صحیح است» که به آن «توشیح» می‌گفتند. این نوشته پس از مدتی به صورت امضا و خطوطی پیچیده درآمد (همان، ۱۶۷ و ۲۲۰).

«استاد خرید و فروش» یا «مبایعه‌نامه‌ها» با بسم‌له‌ای مانند «بسم الله الرحمن الرحيم» یا «هو المالك بالاستحقاق» یا «هو البائع» آغاز می‌شده و سپس عبارتی چون «غرض از تحدید این کلمات شرعی الدلالات» با «مختوم به خیر و ثواب» می‌آمده است. متن اصلی قبale مواردی شامل نام و القاب فروشنده و خریدار، مورد معامله، مقدار و حدود اربعه، الحالات و منضادات ملک مانند عمارت و اشجار و میاه و غیره، و بها به پول رایج زمان را در بر می‌گرفته است. همچنین، شرایط معاملان از جمله بلوغ و رشد و عقل و اختیار ذکر می‌شود و اگر اصحاب معامله از اشخاص برجسته و مقامات مهم کشوری و دینی بودند، اسمی و القابشان در بالای سند و بعد از بسم‌له و قبل از متن نوشته می‌شده که شامل نام و نام پدر و القاب و عبارات متناسب با شخصیت اجتماعی آن‌ها بوده است مانند «افتخار التجار والاشراف» و «عمد الاجلاء والاعيان». مهر و تسجیلات گاهی در حاشیه راست سند و گاهی در بالای آن، میان تحمیدیه و مقدمه قرار می‌گرفت (اختری ۱۳۷۷، ۵۵).

در «عقدنامه‌ها» (نكاح‌نامه)^۸ پس از عباراتی چون «هو المؤلف بين القلوب» و مقدمه، متن شامل نام و القاب زوج و زوجه و نوع عقد و میزان مهر به پول رایج یا املاک با ذکر مشخصات و حضور یا عدم حضور بوده است. در انتهای قبale، برای ذکر تاریخ تحریر از عباراتی مانند «كان وقوع ذلك في...» و ذکر تاریخ براساس تقویم هجری قمری استفاده می‌کردند. اطراف قبale دارای تذهیب و تشییر بود و در حاشیه راست و خارج از کادر مهر و امضای شهود نوشته می‌شد (رضایی ۱۳۹۰، ۸۰).

«وقفنامه‌ها» دارای جزئیات و اطلاعات بیشتری‌اند. وقفنامه مانند استاد دیگر با بسم‌له‌ای مانند «هو الواقف على ضمائر العباد» و «بسم الله الواقف على النيات» و مقدمه‌ای آغاز می‌شود. سپس از وقف و ویژگی‌های او سخن به میان می‌آید. پس از آن، «رققات وقف» ذکر می‌شود که شامل همه اموال غیر منقولی است که وقف شده مانند عمارت، قنات، باغ، قریه و... در ادامه، «موقوف علیهم» یا «موقوف عليه» می‌آید که حکایت از آن دارد که اموال و منافع موقوفه به چه اشخاص حقیقی و حقوقی و مکان‌هایی تعلق می‌گیرد؛ مانند وقف قنات دولت‌آباد یزد برای حرم پیامبر(ص) در مدینه. در قسمت «مصالح»، توضیحات دقیقی درباره چگونگی استفاده از درآمدها آورده شده است. بخش دیگر درباره «تولیت»، به معنی مدیریت مستقیم موقوفه است که گاهی واقف، خود عهددار آن می‌شود و گاهی به شخصی دیگر تتفیض می‌کند. مواردی دیگری نیز بسته به نوع موقوفه و میزان مفصل بودن آن، درباره «شروط»، «جريان صيغه»، «نظارت»، «لعنـتـنـامـه»، «تجـديـدـسـند» و... به چشم می‌خورد. در پایان، تاریخ سند و گاهی نام کاتب ذکر شده است. مهر و سجلات در پایین و حاشیه سند جای گرفته‌اند (شیخ الحکمایی ۱۳۸۸، ۱۱۹).

در دوره معاصر^۹ نیز استاد فراوانی پدید آمده که افزون بر موارد بالا، گونه‌های جدیدی نیز دارد: در مقیاس بین‌الملی استنادی مانند معاهده، قرارنامه، قطعنامه، بیانیه و...؛ در امور اداری معمول استنادی چون اخطاریه، احضاریه، صورت جلسه، آگهی، پرونده،...؛ استاد مالی روزمره مانند رسید پیش‌برداخت، قبوض، استعلام بهما و... (قائم مقامی ۱۳۵۰، ۱۴۰). این استاد معمولاً دارای طرح و ساختاری ساده و اغلب به صورت چاپی‌اند و می‌توان آن‌ها را در شمارگان بسیار تکثیر کرد.

۳. انواع خط و زبان به کاررفته در اسناد

زبان نگارش اغلب اسناد متعلق به سده‌های نخستین دوره اسلامی فارسی بوده و براساس منابع، این شیوه تا اوایل خلافت عباسیان، به ویژه در امور دیوانی، رواج داشته است (محمدی ملایری، ۱۳۷۴، ۱۰۷). از قرن پنجم تا دهم هجری، بسیاری از اسناد به زبان عربی نوشته می‌شد که گاهی در آن‌ها اصطلاحات مغولی^{۱۰} و ترکی^{۱۱} نیز به کار می‌رفت. از دوره صفوی، اسناد معمولاً به زبان فارسی بوده است که در آن‌ها واژگان عربی^{۱۲} و اصطلاحات حقوقی مذهبی نیز دیده می‌شود. همچنین، برخی مقدمه‌ها و تحمیدیه‌ها به عربی نوشته می‌شد (اختری ۱۳۷۷، ۶۳).

خطی که در قرون اولیه هجری برای نوشتن، به ویژه کتابت قرآن استفاده می‌شد، «کوفی» بود که خود انواعی داشت (فضائلی، ۱۳۵۰، ۱۲۶). تا اینکه این مقاله بیضاوی (شیرازی) در قرن چهارم هجری، خطوط شش‌گانه را جایگزین آن کرد. هریک از این خطوط که در زمانی و برای کاربردی خاص رایج شد (براتزاده، ۱۳۸۴، ۴۴) عبارت بودند از:

- «محقق» و «ریحان» برای مصاحف و دیوان‌ها که تا قرن دهم هنوز به کار می‌رفت (همان، ۴۶).
- «ثلث» بیشتر برای نوشتن پشت جلد کتاب‌ها و سرلوحه و آموزش خوشنویسی استفاده می‌شد و کاربردش در کتبیه‌نگاری معماری از قرن ششم هجری آغاز و در قرن هشتم بسیار متداول شد (حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰، ۳۰۸).
- «توقيع» برای نوشتن پایان کتاب‌ها و قرآن و در مواردی، فرمان‌ها و منشورهای حکومتی.
- «رقاع» برای وقفنامه‌ها و امور دیوانی.
- «نسخ» که به خط قرآنی نیز مشهور است، برای مکاتبات نیز به کار می‌رفت و در دوره اتابکان (قرن ششم ق.) به اوج خود رسید. (فضائلی ۱۳۵۰، ۳۹۰).

از حدود قرن ششم یا هفتم خطی به نام «تعليق» جای رقاع و توقيع را گرفت و به ویژه برای نگارش امور دیوانی به کار می‌رفت (براتزاده، ۱۳۸۴، ۶۳). خط «نستعلیق» برگرفته از نسخ و تعليق، از نیمة قرن هشتم کاربرد پیدا کرد و در قرن یازدهم به «شکسته نستعلیق» تبدیل شد (همان، ۶۹). در دوره قاجار نیز اسناد را معمولاً با همین خط می‌نوشتند، همچنین در آن زمان، از دل این خط سبکی تازه و ساده‌تر به نام «شکسته تحریری» نیز بیرون آمد (رضایی، ۱۳۹۰، ۱۳).

نوع دیگر از خط به نام «سیاق» در اسناد به کار می‌رفته که شکلی رمزگونه‌اش داشته است. به عبارت دیگر، «سیاق» شیوه‌ای نوشtar رمزگونه است برای ثبت ارقام نقدی (پول) و جنسی (وزان کالاهای) که تُجَار، کسبه، مؤسسه‌سات، دیوانیان، ممیزان و حسابران از آن استفاده می‌کردند. این خط تا چند دهه پیش هنوز متداول بود و در مدارس نیز تدریس می‌شد (صفی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۹). گویا سیاق یا سیاقی برگرفته از خطی به نام سیاقت است که ابداع آن را به ترکان سلجوقی نسبت می‌دهند و در دولت عثمانی رایج بوده است (براتزاده، ۱۳۸۴، ۶۸).

دانستن تاریخچه خط و زبان به کاررفته در اسناد از آنجا مهم است که هنگام یافتن اسنادی که فاقد تاریخ مشخص‌اند، با دقت در نوع خط و زیانشان بتوانیم زمان نگارش آن‌ها را تا حدودی حدس بزنیم یا اینکه بدانیم متعلق به کدام زمان به قبل نمی‌تواند باشد؛ مثلاً اگر سندی با خط شکسته نستعلیق نوشته شده بود، احتمال اینکه متعلق به دوره قاجار باشد، فراوان است؛ یا اگر با خط نستعلیق بود، قاعده‌تاً قدمش به پیش از سده هشتم هجری باز نمی‌گردد.

۴. چگونگی کاربرد هریک از اسناد در مطالعه تاریخ معماری ایران

همه اسناد به شکل بالقوه، منابع مطالعه تاریخ معماری ایران‌اند؛ زیرا هریک از آن‌ها به گونه‌ای با وجهی از زندگی انسان ایرانی مرتبط‌اند. از آنجاکه تاریخ معماری با تاریخ زندگی بشر عجین است، بررسی هر سندی که بخشی از کیفیت زندگی انسان در یک عصر را برایمان روشن کند، به شناخت معماری متناسب با آن زندگی نیز کمک کرده است. اما از سوی دیگر، مورخ معماری نمی‌تواند به سراغ همه اسناد برود و باید منابعش را براساس پرسش‌ها و روش تحقیق خود محدود کند.

شناسایی اسناد از نظر استعداد معماریانه آن‌ها نخستین گام برای این است که بدانیم هنگام تحقیق در تاریخ معماری ایران، سراغ کدام یک از آن‌ها برویم. نکتهٔ دیگر دربارهٔ توقع محقق از اسناد از منظر نوع اطلاعاتی است که بهدست می‌دهد. به عبارت دیگر، محقق باید بداند چه پرسشی را در چه سندي می‌توان جست‌وجو کرد. همچنین، یک پژوهشگر معماری باید بداند که نادیده‌گرفتن اسناد موجب عدم آگاهی از بسیاری از اطلاعات دست اول مرتبط با یک اثر و بستر تاریخی و جغرافیایی آن خواهد شد و به همین ترتیب، ممکن است به اشتباهات بزرگ در نتیجه‌گیری‌ها بینجامد.

فرمان‌های حکومتی معمولاً مضمونی سیاسی و اجتماعی دارند، با این همه، شماری از آن‌ها حاوی اطلاعات معماریانه هستند. مهم‌ترین نکاتی که در آن‌ها یافت می‌شود، وضعیت شهرها و آثار و تغییراتشان در زمان صدور فرمان است. همچنین، می‌توان دیدگاه حاکمان دربارهٔ وجود مختلف ساخت‌وساز و توسعه را ارزیابی کرد. از بهترین نمونه‌های این‌گونه اسناد «فرمان واگذاری اراضی دارالخلافة ناصری» در ۱۲۹۰ ق در دست ناصرالدین شاه بوده و موضوع آن، واگذاری یکصد هزار ذرع از اراضی دارالخلافة تهران به میرزا فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان شیرازی بهمنظور توسعه شهر تهران است. این فرمان اهمیت فراوانی در شناخت تاریخ تحول شهر تهران و چگونگی و علت گسترش آن دارد (نظری ۱۳۸۶، ۹۴-۱۰۰).

نمونه سند دیگر «فرمان شاه عباس بزرگ برای بنای کلیسا‌ی جلفای اصفهان» است که هم دربارهٔ جزئیات بنا نکاتی می‌توان یافت و هم وضعیت اقلیت‌های مذهبی را در ایران صفوی درک کرد. در بخشی از آن چنین آمده است: «[...] چون در دارالسلطنة اصفهان پایتخت همایون و از هر طبقه و طوایف مردم هر ملت در آنجا هستند، می‌خواهیم که جهت مردم مسیحیه در دارالسلطنة مذکوره کلیسا‌ی عالی در کمال رفت و زیب و زیست ترتیب دهیم [...] چون چند عدد سنگ بزرگ در اوج کلیسا‌ی ایروان بوده و عمارت آن کلیسا منهدم گشته، خرابی تمام به آن راه یافته، دیگر شایستگی تعمیر نداشت و کشیش آنجا استخوان‌های پیغمبران را که در آن مکان مدفون بودند، از آنجا بیرون آورده، به جماعت نصاری و ترسایان فروخته، آن مقام را از عزت و شرافت انداخته بود، بنابر آن سنگ‌های مذکور را از آنجا بیرون آورده، روانه دارالسلطنة اصفهان فرمودیم که در کلیسا‌ی عالی که در آنجا ترتیب می‌دهیم، نصب فرماییم [...]» (قائم مقامی ۱۳۴۸، ۲۴).

شمار نامه‌های حکومتی و گزارش‌های اداری ای که بتوان از آن اطلاعات معماریانه گرفت، بسیار اندک است و بیشتر باید در جست‌وجوی اسنادی از این دست بود که در آن‌ها وضعیت آثار و املاک به پادشاه و درباریان گزارش شده است. «کتابچه عرایض توبخانه مبارکه» گزارشی است به ناصرالدین شاه در ۱۳۰۴ ق دربارهٔ وضعیت میدان توبخانه، اینیه آن مانند انبارها و اصطبل، و توبپ‌های موجود در توبخانه. پادشاه نیز در پایان هر قسمت که موضوعی جداگانه دارد، دستوری نوشته است. در گزارش نخست چنین می‌بینیم: «میدان توبخانه از طاق‌های تحتانی سمت شمال دو سه طاق فرو رفته، آن یک سمت تماماً نشست کرده، به قدری بی‌اعتبار شده است که تپیچی را به کلی از بالاخانه‌های آن سمت خارج ساخت. پی‌بندی باعتباری لازم دارد که مایه اطمینان باشد، سایر طاق‌ها و بالاخانه‌های سمت جنوب و شرقی و غربی میدان نیز اغلب شکسته است، [...]» (همان، ۲۴۵) ناصرالدین شاه در پایان این بخش، این دستور را داده است: «نایاب السلطنه، همین دست خط را هم جناب امین السلطنه ملاحظه کن، هرچه از این خرابی‌ها در جزء تعمیرات امسال منظور شده است که عاجلاً مشغول ساختن شوند، هرچه هم که در جزء بازدید نیست، آن‌ها را هم جناب امین السلطنه آدم بفرستد که ملاحظه کند هر قدر مخارج لازم دارد و لازم شد، به عرض برساند، حکم آن خواهد شد» (همان، ۲۴۶). در این گزارش، افزون بر درک وضعیت میدان در سال، با شماری واژه‌های مرتبط با معماری رایج در آن زمان و اشخاص مهم حکومتی نیز آشنا خواهیم شد.

استاد خرید و فروش، که به نام مبایعه‌نامه و مصالحة‌نامه مشهورند، حاوی اطلاعات دقیقی دربارهٔ ملک معامله شده هستند؛ زیرا ویژگی‌های کالبدی و محل ملک باید دقیقاً در آن‌ها مشخص شود؛ برای نمونه، در سند خرید رقبات مسجد کلهر کاشان چنین آمده است: «یک باب دکان ارسی دار متصل به مسجد درب بازار غزل / مابین درب مسجد مزبور و دکان دیگر مصالح مزبور / و به شارع متفرعات و منضمات آن بالتمام» (صدری ۱۳۷۹، ۶۶). سند مالکیت

(قباله شش دانگ) از دیگر استنادی است که چنین خصوصیتی در آن دیده می‌شود. منابع از گونه‌ای سند به نام «صریح‌الملک» نیز نام برده‌اند که حاوی اطلاعاتی درباره وضعیت جغرافیایی ملک یا املاک اشخاص بوده و در هنگام معامله از آن استفاده می‌شده است (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ۱۳۳۱). «هیئت‌نامه»، که سندی است درباره بخشیدن ملکی به شخص دیگر و نیز «استشہادنامه» که تعلق ملکی به شخصی را تصدیق می‌کند، استنادی کمیاب‌ترند که حاوی اطلاعاتی شبیه به اسناد خرید و فروش‌اند (رضایی، ۱۳۹۰، ۱۶۷).

«جنس‌نامه» که براساس آن، مالک می‌تواند حق انتفاع از ملک خود را به دیگری واگذار کند، از استناد بالهمیت برای مطالعه تاریخ معماری است؛ زیرا حدود اربعة ملک و مشخصات اجزای آن باید دقیقاً در آن مشخص شود؛ برای مثال، در بخشی از جنس‌نامه‌ای متعلق به جایی در تهران دوره قاجار چنین آمده است: «[...] واقع است در قرب عمارت مسکونی آن معمتمد السلطان در گذر سرتخت در محله عودلاجان و محدود است بهذه الحدود: حدی به عمارت قمر مهرجا؛ حدی به عمارت میرزا تقی خان؛ حدی به شارع عام، حد دیگر ایضاً به شارع عام، با جمیع لواحق شرعیه و توابع عرفیه آن خانه و دکاکین از ممر و مدخل و مجری و مشرب و جدران و حیطان و ابواب و اخشاب و ابنيه و آلات و عرصه و اعیان و فوکانی و تحتانی و غیرها مما يتعلق بها و ينسب اليها بدون وضع استثناء چیزی از شش دانگ آن عمارت و دکاکین. [...]» (همان، ۱۳۶).

وقف‌نامه‌ها بهترین گونه استناد برای مطالعه در تاریخ معماری ایران بهشمار می‌روند. تعدادشان نیز از دیگر استناد باقی‌مانده بیشتر است؛ زیرا هم از جنبه حقوقی و هم شرعی اهمیت بسیاری دارند. مطالب وقف‌نامه‌ها، بهویژه آن‌هایی که مفصل‌ترند، اطلاعات معمایانه فراوانی را از مقیاس کلان، مانند شهر و منطقه تا مقیاس خرد، مانند اجزا و عناصر بنای‌ها دربرمی‌گیرد. همچنین، برای شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مرتبط با موقعفات نیز سودمندند. به بیان دیگر، با مطالعه وقف‌نامه‌های یک دوره می‌توان فهمید که احوال جامعه در آن زمان چگونه بوده است؛ مثلاً اگر از دوره‌ای شمار فراوانی وقف‌نامه بهجا مانده باشد، می‌توان حدس زد که کشور دارای ثبات و امنیت مناسبی برای ساخت آثار متعدد و نیز امید به باقی‌ماندن آن‌ها و منفعت رساندن به عموم وجود داشته است. با مطالعه برخی وقف‌نامه‌ها می‌توان نام بسیاری از شهرها و روستاهای و لایت‌ها را شناسایی کرد و به نام‌های تاریخی آن‌ها پی برد. از جمله این استناد «كتابچه املاک اینجوی فارس» است که وقف‌نامه‌ای مربوط به ایالت فارس، بهویژه اطراف شیراز، ذکر شده است که خود می‌تواند آغاز پژوهش‌های بسیاری در زمینه جغرافیای تاریخی باشد (افشار، ۱۳۸۹، ۱۱-۷).

یکی از مهم‌ترین کاربردهای وقف‌نامه‌ها، بازسازی فرضی مجموعه بنای‌هایی است که کاملاً ویران شده و فاقد نقشه یا متن تاریخی‌اند. شماری از آن‌ها که مفصل‌تر و مربوط به مکان‌ها و اشخاص مهم‌اند، اطلاعات خوبی درباره نام فضاهای و حتی چگونگی قرارگیری‌شان در کنار یکدیگر دارند. «وقف‌نامه ربع رسیدی» متعلق به عصر ایلخانیان نمونه بسیار خوبی است که چند پژوهشگر براساس آن توائسته‌اند از شهرک ربع رسیدی، که خواجه رسیدالدین فضل‌الله بنیان گذاشته بود، نقشه‌های کلی و بازسازی‌های سه‌بعدی فرضی ارائه دهنده (بلر، ۱۳۸۷، ۷۳-۴۷). البته بازسازی‌های ارائه شده کاملاً یکسان نیستند؛ زیرا فقط با تکیه بر یک سند که هدف از نگارش آن تهیه نقشه نبوده است، به همه جنبه‌های معماری یک اثر نمی‌توان دست یافت، داشتن دانش تاریخ معماری و توائیابی تحلیل و مقایسه اثر با دیگر آثار نیز لازم است.

در برخی وقف‌نامه‌ها بناها با جزئیات توصیف شده‌اند که مواردی چون ابعاد، شکل ظاهری، مصالح و فن ساخت را دربرمی‌گیرد. این استناد افزون بر کاربرد در مطالعه تاریخ معماری، برای مرمت آثار نیز مفیدند؛ زیرا وضعیت اصلی بنای را می‌نمایانند. یکی از وقف‌نامه‌های مناسب در این زمینه، «وقف‌نامه قنات دولت‌آباد یزد» است که با غول‌آباد و عمارت‌هایش را با دقت توصیف می‌کند. در بخش‌هایی از آن چنین می‌بینیم: «[...] و آن خیابانی است به طول پنج شش میل و عرض چهل پنجاه ذراع که درختان آن سر به فلک کشیده و از آواز آبشارهایش فلک روی استراحت ندیده» (شيخ الحکمایی، ۱۳۸۸، ۸۴). «[...] در وسط هر دو مدخل به رسم زیرزمین، مواضع خوب و امکنه مرغوب

مطالعه‌ی ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

۱۶۵

نتیجه‌گیری

اسناد یا مدارک نوشتاری حاوی اطلاعاتی هستند که برخی وجوه زندگی انسان در دوران مختلف را می‌نمایانند. اسناد یافته شده در ایران، بیشتر متعلق به دوره اسلامی است و از دوران پیش از آن، شمار اندکی در دست داریم. اسناد را به شیوه‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند، از جمله آن‌ها دسته‌بندی دوتایی به شکل شرعی و عرفی، یا سه تایی به صورت دیوانی و قضایی و شخصی است. این مدارک خود نیز دارای چند بخش اصلی مقدمه و رکن کلام و خاتمه بوده‌اند. زبان نگارش اسناد در سده‌های نخستین اسلامی و از دوره صفویان به بعد فارسی بوده، در حالی که در سده‌های میانی بسیاری از آن‌ها را به عربی می‌نوشته‌اند. خطوط به کاررفته در آن‌ها، از آغاز تاکنون، تغییر کرده و از خط کوفی شروع و به خط شکسته تحریری ختم شده است. بررسی خط می‌تواند محققان را در شناخت نوع و تاریخ سندهای مبهم یاری رساند.

از آنجا که معماری، همواره در طول تاریخ، در مقام کالبد زندگی انسان بوده است، هر شناختی درباره کیفیت زندگی به درک معماري مرتبط با آن کمک خواهد کرد؛ بنابراین، رابطه‌ای هم مستقیم و هم غیر مستقیم میان شناخت

سراججام شده و تمام آن‌ها به سنگ و آهک و گچ، صورت پذیرفته» (همان، ۸۶). «منظراهایش شبیه منظر شمس و قمر، و شبیه‌های ارسی‌اش از زجاجیت دیده صاجبان بصیرت روشن‌تر» (همان‌جا).

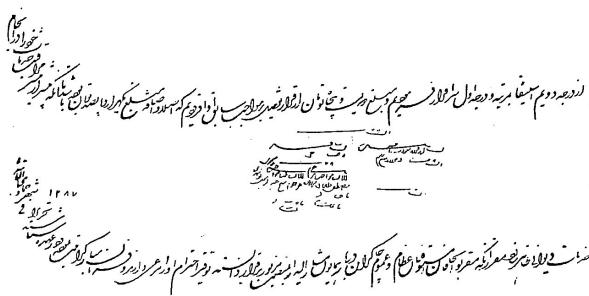
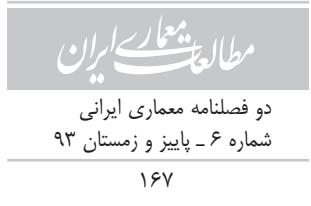
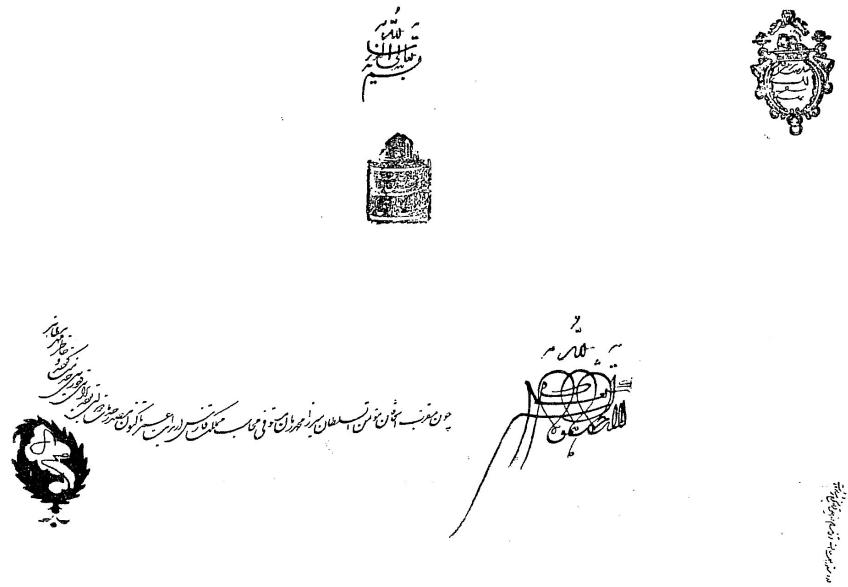
با مطالعه وقفنامه‌های متعلق به یک دوره خاص، می‌توان به برخی ویژگی‌های جامعه آن زمان دست یافت. ذکر مواردی چون حامیان و بانیان، اداره‌کنندگان، مقیمان، عوامل ساخت، اقتصاد بنا، کارکردها و مشاغل مرتبط با بنا در وقفنامه‌ها، وجهه‌ای از زندگی مردم دوره‌ای خاص را می‌نمایند. مثلًا در «وقفنامه مسجد مدرسه ناصری تهران» درباره نحوه اداره کردن مشاغل مرتبط با حمام و باغچه چنین آمده است: «اول، اجرت یک نفر حمامی و یک نفر جامه‌دار و دو نفر دلاک و یک نفر گلخان‌افروز از بابت پانزده سهم مقرر در فصل دویم که برای اخراجات حمام و باغچه مقرر شده با رعایت صرفه وقف داده شود. [...] چهارم، تخم گل و نهال و لوازم دیگر برای باغچه‌ها به قدر ضرورت که با غیاب لازم بداند از پانزده سهم مقرر مذبوره داده شود» (همان، ۱۳۳). در مثالی از منظر دیگر، در دوره صفوی برخی واقفان زنان بوده‌اند، با بررسی وقفنامه‌های منسوب به ایشان، نقش زنان در توسعه معماری آن عهد روشن می‌شود (ریاحی، ۱۴۳-۱۴۸). (۱۶۸-۱۳۸۹).

وقفنامه‌ها از نظر اصطلاحات مربوط به معماری نیز بسیار غنی‌اند. برخی از این واژگان امروزه هم متدالو اند؛ مانند ساپاط، قُبَّه، ذراع، جلوخان و... . اما شماری از آن‌ها اکنون کمتر به کار می‌روند؛ مانند اختلطان کردن (طرح ریزی بنا روی زمین)، شراب‌خانه (جای شربت)، حواچخانه (انبار مواد غذایی) و... . گاهی از واژه‌های معماریانه برای تشبیه نیز استفاده می‌شده است، چنان‌که در آغاز «وقفنامه مسجد مدرسه ناصری تهران» این‌گونه آمده است: «ترازنده بینیان دار ایجاد و فرازنده ایوان سعی شداد، چون بر اقتضای حکمت بالغه به سرینجه قدرت کامله خویش، قواعد بیت پیکر جنس انس برآفراخت [...] که سالار سپاه نشئه آفرینش است و واقف رموز مدرس دانش و بیانش، تا زوایای صحنه خاطر آن از تعلقات اعلاق این سرای مزخرف پردازد و سرای ایوان حجره درونش به فروغ معرفت صانع خویش منور سازد» (شیخ الحکمایی، ۱۳۸۸، ۹۵).

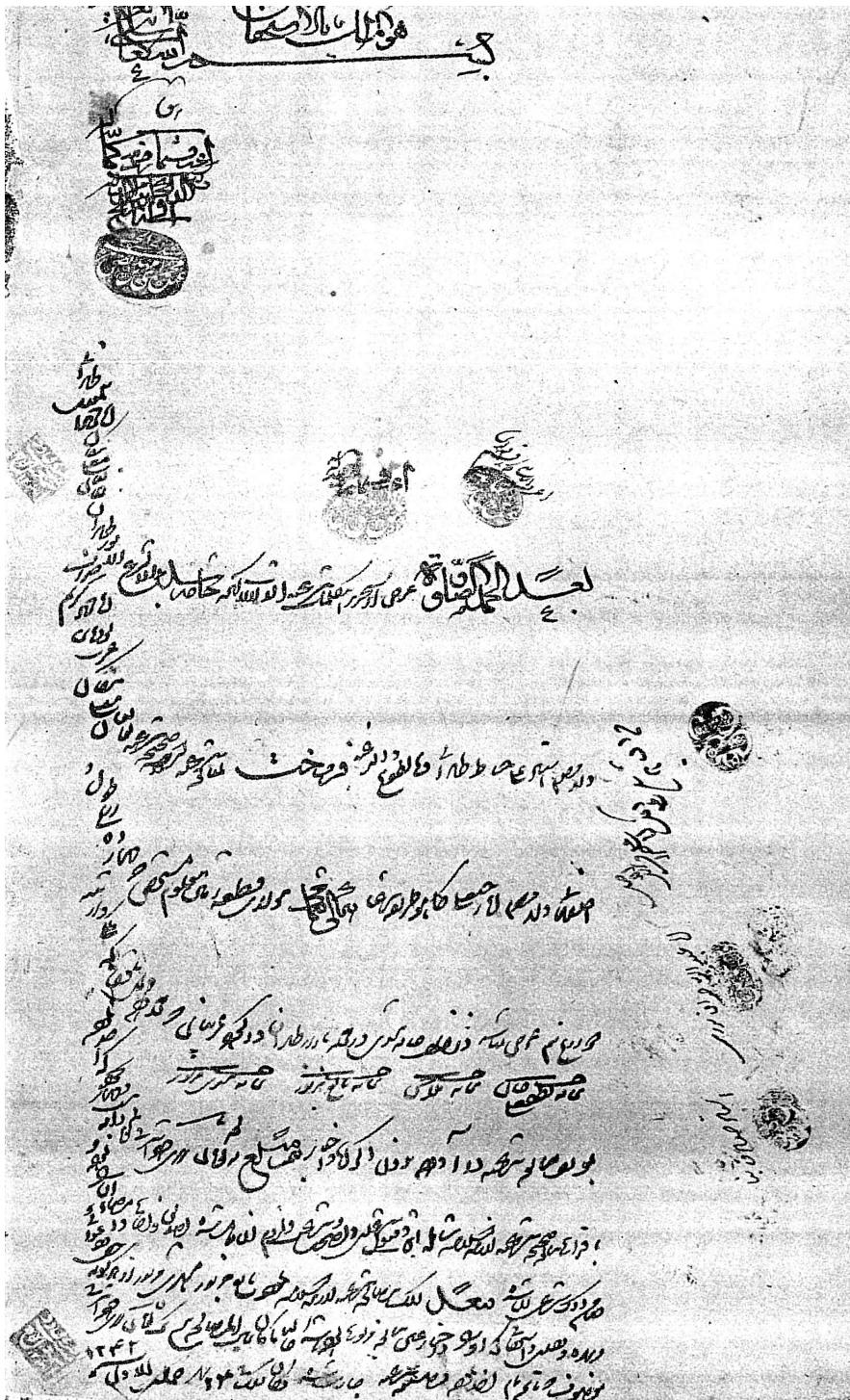
مواد دیگری که با مطالعه وقفنامه‌ها می‌توان به آن‌ها را شناخت، چنین‌اند: تاریخ دقیق ساخت اثر، پیشینه بنا و مکان، اقلیم و طبیعت منطقه، الگوهای معماری، وسائل و ظروف درون بنا، تأسیسات آبی، هنرهای وابسته به معماری، آداب ساخت، و الگوهای زندگی اجتماعی و فردی.

از آنجاکه معماری معاصر ایران نیز بخشی از تاریخ معماری این سرزمین است، بررسی اسناد امروزی نیز نقش مهمی در شناخت معماری ایران دارد. بخشی از این اسناد که عام‌ترند، بیشتر به منزله اسناد تاریخی برای آیندگان به‌شمار می‌روند؛ اما برخی دیگر مستقیماً با رویدادهای معماری امروز مرتبط‌اند، از جمله آن‌ها قوانین شهرداری‌ها و سازمان میراث فرهنگی، تصویبات شورای عالی شهرسازی و معماری، پروانه‌های ساختمانی، قراردادها و امثال آینهایند.

استاد تاریخی و معماری ایران برقرار است. در این میان، شماری از اسناد دارای اطلاعات معماری‌اند: در فرمان‌های حکومتی نکاتی درباره وضعیت شهرها و بناها و تغییراتشان در طول زمان، در نامه‌ها و گزارش‌های اداری در مورد وضعیت املاک شاهان و درباریان، در اسناد خرید و فروش و مدارکی از این دست، اطلاعات دقیقی درباره مکان جغرافیایی، مجاوران ملک معامله شده و ویژگی‌های کالبدی مانند ابعاد و حدود اربعه، و در وقف‌نامه‌ها اطلاعات مفصلی در مقیاس‌های مختلف از شهر تا اجزای بنها به چشم می‌خورد. به‌نظر می‌رسد که وقف‌نامه‌ها بهترین اسناد برای پژوهش در معماری ایران باشند؛ زیرا افزون بر نمایاندن احوال جامعه زمان خود، حاوی داده‌های معماری‌اند فراوان‌تری اند که از مهمترین‌شان اینهاست: نام شهرها و آبادی‌ها، تاریخ دقیق ساخت اثر، نام فضاهای جزئیات کالبدی و فتنی، هنرهای و مشاغل وابسته به معماری و حتی اصطلاحات معماری‌اند.



تصویر ۱: سند «فرمان» متعلق به دوره قاجار (فائل مقامی ۱۳۵۰، ۲۱۷)



تصویر ۲: سند «خرید و فروش» متعلق به دوره قاجار (قائم مقامی ۱۳۵۰، ۳۰۱)

پی نوشت‌ها

۱. در بخشی از قانون این سازمان چنین آمده است: «اسناد مذکور در این ماده شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، نوارهای ضبط صوت، و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به طور مداوم یا غیر مداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری دائمی داشته باشند.» (فديا ۱۳۹۰، ۱۶۳).
۲. اين اسناد را در دوره قاجار «اوراق سندی» مى ناميدند.
۳. به اين اسناد در دوره قاجار «اوراق صريحه» گفته مى شد.
۴. گاهی مهرها دارای عباراتی حک شده مانند عبده و عبد‌الراجی و غیره بوده‌اند که «سَجع» نامیده مى شوند و از نظر رجال‌شناسی اهمیت دارند.
۵. سجل به معنی ثبت و تصدیق سند به دست شهود است. قبله را حافظ یک نفر امضا یا تسجيل می کرده است.
۶. نک: قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۳۴ و ۲۲۷ و ۲۳۹ و ۲۴۰.
۷. توضیحاتی که پشت سند افروده می شده، مانند حدود اربعه املاکی که در متن سند از آنها نام برده شده است.
۸. اين اسناد را به نام‌هایي چون صداق‌نامه، مهرنامه، قبله زناشویی، سند ازدواج، و قبله مناکه نیز می‌شناسند.
۹. در غرب معمولاً آغاز قرن بیستم را دوره معاصر محسوب می‌کنند، اما در ایران اتفاق نظر بر تاریخ مشخصی وجود ندارد و رویدادهای تاریخی چون زمان صدور فرمان مشروطیت، آغاز حکومت پهلوی، نهضت ملی شدن صنعت نفت، و غیره را آغاز دوره معاصر دانسته‌اند. (نک: فديا ۱۳۹۰، ص ۱۱۶)
۱۰. مثلاً «سیورغال» که به معنی عواید زمینی است که حاکم به جای حقوق و مستمری به اشخاص می‌بخشد.
۱۱. مانند «تبول» که واژه‌ای است ترکی به معنای ملکی که شاه به کسی واگذار می‌کرد تا عواید و خراج آن را به جای مواجب و دستمزد خود بردارد. همچنین گاهی در اسناد از نام ترکی سال‌ها استفاده می‌کردند.
۱۲. مانند کاربرد حروف و اعداد «ایجد»
۱۳. «جاره‌نامه‌ها» و «وصیت‌نامه‌ها» نیز گاهی حاوی اطلاعات معماریانه سودمندی‌اند.

منابع

- اختری، محمدعلی. ۱۳۷۷. قبله و قبله‌نویسی در ایران. کانون، ش. ۴۷ - ۷۴.
- افشار، ایرج، و عمادالدین شیخ‌الحکمای. ۱۳۸۹. اسناد معماری ایران، دفتر دوم. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- براتزاده، لیلی. ۱۳۸۴. خوشنویسی در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بلالی اسکویی، آزیتا، و دیگران. ۱۳۸۹. طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی. صقه، ش. ۵۰: ۵۱ - ۷۶.
- بLER، شیلا. ۱۳۸۷. معماری و جامعه در دوره ایلخانیان، تحلیل و قفنه‌نامه ربع رشیدی. گلستان هنر، ۴ (۱۳): ۴۸ - ۷۳.
- تقاضلی، احمد. ۱۳۸۶. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: سخن.
- دریابی، نورج. ۱۹۹۹. سقوط ساسانیان. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحتانز امیرخانی. ۱۳۸۳. تهران: نشر تاریخ ایران.
- رضایی، امید. ۱۳۹۰. درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی، محمدحسین. ۱۳۸۹. موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی. وقف میراث جاویدان، ش. ۷۱: ۱۴۳ - ۱۶۸.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز، و کامبیز نوایی. ۱۳۹۰. خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. ۱۳۸۸. اسناد معماری ایران، دفتر نخست. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- صدری، مهدی. ۱۳۷۹. اسناد خرید رقبات و وقف‌نامه مسجد کلهر کاشان. وقف میراث جاویدان، ش. ۳۱ و ۳۲: ۶۴ - ۷۱.
- صفائی‌زاد، جواد. ۱۳۸۷. کوششی در آموزش خط سیاق. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- عربیان، سعید. ۱۳۸۲. راهنمای کتبیه‌های ایرانی میانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فدایی، غلامرضا. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی. تهران: سمت.



- فضائلی، حبیب‌الله. اطلس خط. اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان. ۱۳۵۰.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. ۱۳۵۰. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
- ———. ۱۳۴۸. یکصد و پنحاه سند تاریخی، از جلایریان تا پهلوی. تهران: انجمن آثار ملی.
- کخ، هایدماری. ۱۹۹۲. از زبان داریوش. ترجمهٔ پرویز رجبی. ۱۳۸۵. تهران: کارنگ.
- محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۴. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. تهران: توسع.
- نظری، فرهاد. ۱۳۸۶. فرمان و اکناری اراضی دارالخلافة ناصری. گلستان هنر، ۳(۹): ۹۴ - ۱۰۰.

مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳